

The Future of the Axis of Resistance in Light of the Global Power Geometry

Mohsen Nasr Esfahani¹, Fariba Tarjoman², Ahmad Kazemi³

¹ Assistant Professor, Department of Education, Payam Noor University, Tehran, Iran (*Corresponding author*).
nasresfahani@pnu.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran. Tarjoman-
fariba@pnu.ac.ir

³ Master's degree, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran.
ahmadkazemiarpanahi@gmail.com

Abstract

This research aims to explore the future position of the Axis of Resistance in the context of global power geometry. The research adopts a qualitative methodology, and the main issue is discussed with an analytical-documentary approach. The research results indicate the emergence of global new power, the revival of Islamic power, and the prominence of Shia greatness worldwide. The Islamic Revolution catalyzes the formation and continuity of other Islamic movements, establishing a power balance in West Asia and the world. The consequences of the research include the awakening spirit in West Asia, the weakening of the Zionist regime, support for anti-hegemonic movements, and challenging international hegemony. From the existing results, one can infer the creation of a power balance in global power geometry and the retreat of global colonizers from left-leaning policies. The Axis of Resistance, by establishing a power balance internationally and stabilizing the borders of Islamic lands, aims to achieve peace, stability, and security in West Asia and, consequently, in international relations.

Keywords: Islamic Resistance, Global Power, Islamic Revolution of Iran, America, Islamic Awakening, International Relations.

Received: 2023-04-01 ; **Received in revised form:** 2023-04-22 ; **Accepted:** 2023-05-07 ; **Published online:** 2023-05-12

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.562705.1940>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی

محسن نصراصفهانی^۱، فریبا ترجمان^۲، احمد کاظمی^۳

^۱ استادیار، گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). nasresfahani@pnu.ac.ir

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Tarjoman-fariba@pnu.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ahmadkazemiarpanahi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی است. روش پژوهش کیفی بوده، و مسئله اصلی با رویکرد تحلیلی-اسنادی مورد بحث قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده قدرت نوظهور جهانی، احیاء قدرت اسلام و عظمت تشیع در سطح جهان، انقلاب اسلامی عامل تشکیل و استمرار سایر نهضت‌های اسلامی، شکل‌گیری موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا و جهان بوده، و پیامدهای پژوهش شامل، روحیه بیدارگری در غرب آسیا، تضعیف جایگاه و قدرت رژیم صهیونیستی، حمایت از جنبش‌های ضداستکباری و به چالش کشیدن هژمونی برتر بین‌الملل است. از رهگذر نتایج موجود می‌توان، ایجاد موازنه قدرت در هندسه قدرت جهانی و عقب‌نشینی استعمارگران جهانی از سیاست‌های چپاول‌گرایانه را متصور شد. محور مقاومت با ایجاد موازنه قدرت در عرصه بین‌الملل و ثبات‌بخشی به مرزهای سرزمین‌های اسلامی و دور کردن بیگانگان و استعمارگران از غرب آسیا، به دنبال نائل آمدن به صلح و ثبات و امنیت‌سازی در غرب آسیا و به تبع آن در عرصه روابط بین‌الملل است.

واژه‌های کلیدی: مقاومت اسلامی، قدرت جهانی، انقلاب اسلامی ایران، آمریکا، بیداری اسلامی، روابط بین‌الملل.

استاد به این مقاله: نصراصفهانی، محسن؛ ترجمان، فریبا؛ کاظمی، احمد (۱۴۰۲). آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی. سیاست

متعالیه، ۱۱(۴۱): ص ۱۳۳-۲۵۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.562705.1940>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

© the authors

<http://sm.pnas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

در مقطع تاریخی بعد از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظم نوین جهانی براساس اندیشه‌های سیاستمداران آمریکایی از حالت دوقطبی به تک‌قطبی درآمد و جهان وارد فاز جدیدی از قدرت و حاکمیت بین‌المللی شد. استعمار جهانی به رهبری آمریکا و انگلیس، در سه سطح (کهن، نو، فرانو)، در کشورهای شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، حضور مستقیم و مملوکانه داشته و به دنبال آن در دهه اخیر در کشورهای همسایه مرزی جمهوری اسلامی ایران، بیش از گذشته حضور و دخالت غیرمستقیم دارد. نوع نظام بین‌الملل و آینده آن همواره ذهن اندیشمندان روابط بین‌الملل را به خود مشغول ساخته است. زمانی که کمونیسم از اردوگاه غرب به رهبری آمریکا شکست خورد، این سوال در میان محافل آکادمیک نظام بین‌الملل مطرح شد که آینده نظام بین‌الملل به کدام سو حرکت خواهد کرد. برخی متفکران، مسیر غرب را بعد از فروپاشی شوروی هموارتر می‌دانستند و برخی دیگر اسلام را مانع بازدارنده آمریکا در برابر اشغال‌گری و چپاول‌گری در عصر حاضر می‌دانند. در این برهه هیچ‌کس به محور مقاومت و تأثیرات مثبت آن در خاورمیانه اهمیت نمی‌داد. محور مقاومت اسلامی نوعی بازاندیشی و بازتولید فرهنگ ایستادگی در برابر استکبار جهانی و استبداد داخلی در بین ملت‌های منطقه، در غرب آسیا ایجاد کرد که از این طریق منافع غرب و صهیونیسم جهانی را در گستره خاورمیانه مورد تهدید قرار داده است. پس از شکست اسرائیل در جنگ‌های ۳۳ و ۲۲ روزه که منجر به عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان شد، نگاه‌ها به طرف محور مقاومت متمرکز شد و این گفتمان، موضعی انتقادی و بدبینانه از نظام سلطه و هژمون جهانی دارد. موجی ائتلافی از کشورهای سنی‌نشین حاشیه خلیج فارس به زعامت عربستان، بعد از انقلاب اسلامی ایران را به ناچار وادار به تقابل در چارچوب محور مقاومت اسلامی کرده بود. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و بهانه‌جویی‌های غربی‌ها به سرکردگی آمریکا برای حضور در منطقه غرب آسیا، کشورهای اسلامی مترصد فرصتی بودند تا در قالب اتحادها و ائتلافات، در مقابل هژمونی غرب قرار گیرند. با تغییر و تحولات در عرصه بین‌الملل و افول هژمونی آمریکا و گسترش همه‌جانبه قدرت محور مقاومت، باعث شد تا محور مقاومت قدرت خود را بیش از گذشته در سطح بین‌الملل احیاء نماید. انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید غیردولتی شامل جنبش‌ها، خیزش‌های مردمی و شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی در بین ملت‌های مسلمان در غرب آسیا شد. محور مقاومت همواره نگاهی انتقادی به قدرت‌طلبی قدرت‌های جهانی و هم‌پیمانان آنان در منطقه و سطح جهان دارد و درصدد است تا با ایجاد الگوسازی اسلامی در عرصه مقاومت، آینده جایگاه جهانی خود را تقویت کند و

به تبع آن قدرت‌های جهانی را به چالش بکشاند.

۲. پیشینه پژوهش

آدمی و کشاورز مقدم (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی انقلاب اسلامی، شکل‌گیری محور مقاومت در برابر ائتلاف عربستان با کشورهای اهل تسنن حاشیه خلیج فارس که در آن عربستان خواستار زعامت کشورهای سنی‌نشین بود، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که حمایت ایران از سوریه و عراق و دیگر گروه‌های مقاومت در منطقه، جایگاه امنیتی و شکل‌گیری توازن قدرت به نفع محور مقاومت را بیش از گذشته در منطقه غرب آسیا تقویت خواهد کرد.

غرسبان و صفریان (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه داخلی و راه‌حل‌های قرآنی مقابله با آن»، به بررسی چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه داخلی، و راه‌حل‌های قرآنی مقابله با این چالش‌ها پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که با بررسی و تحلیل اقدامات دشمن، مهم‌ترین چالش‌های داخلی نافرمانی، ایجاد اختلاف، نفوذ و در نهایت شکست و تسلط استبداد است. قرآن کریم در راستای مقابله با این چالش‌ها، راهکارهای متفاوتی نظیر وظیفه‌گرایی، وحدت، بصیرت و در نهایت ظلم‌ستیزی را ارائه کرده است.

محمودی رجا و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی»، نشان دادند که براساس این نظریه، هژمون باید با استفاده از زور بر نظام جهانی محدودیت‌هایی را وضع کند تا اینکه بتواند ثبات خود را حفظ نماید. تلاش نظام سلطه برای منزوی کردن اعضای محور مقاومت، بوسیله تحریم‌های مختلف، همگی ناشی از ظهور هویت و ایدئولوژی جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل است که مهم‌ترین خطر برای نظام سلطه محسوب می‌شود. واقعیت‌هایی که امروزه در عرصه روابط بین‌الملل رخ داده، نشان می‌دهد که غرب با قدرت جدیدی به نام مقاومت مواجه است.

افتخاری و حکیمی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، طراحی ساختارمندی مبتنی بر کاربست نگاه عملیاتی به اسلام و در چهارچوب نقشه راه ترسیمی توسط رهبر نظام اسلامی ارائه دادند. این امر در وهله نخست منوط به تبیین همه‌جانبه اهداف، مخاطبان، الزامات تحقق، سیاست‌ها و ابزارهای پیاده‌سازی و تحقق مفهوم مقاومت از منظر رهبر انقلاب اسلامی است. طرح کلی حاکم بر الگوی مقاومت را می‌توان عملکردی هوشمندانه توسط ملت و دولت در

فضای رقابت بین الملل و مقابل با نظام سلطه و استکبار دانست که عدم وابستگی به شرق و غرب، بر پایه نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری استوار شده و نهایت آن وصول به نقطه بازدارندگی در تمام عرصه‌ها برای تأمین منافع ملی است.

شکاف تحقیقاتی شکل گرفته در موضوعات نگاشته شده، به خوبی واضح و مبرهن است. کلیه پژوهش‌هایی که راجع به موضوع پژوهش حاضر به رشته تحریر درآمده‌اند، لزوم مبارزه با مستکبرین و دشمنان ملت‌های منطقه را تایید کرده و از رهگذر هم‌افزایی بین دولت‌ها و ملت‌های اسلامی می‌توان مقاومت و آینده این محور را تقویت و بهبود بخشید.

پژوهش حاضر درصدد است تا شکاف تحقیقاتی موجود را از زوایا و ابعاد متفاوت پوشش دهد، تا هم جایگاه فعلی محور مقاومت تقویت و فعال شود و هم در عرصه قدرت آینده جهانی بتوان موثر و نقش‌آفرینی کارآمد داشت. جنبه بدیع و نو بودن پژوهش حاضر در مقطع کنونی خواهد توانست هژمون جهانی را به چالش بکشد و چشم‌اندازها و آینده جایگاه محور مقاومت اسلامی را در عرصه قدرت جهانی تثبیت کرده و به گسترش موازنه قدرت در برابر سایر قدرت‌های موجود سرعت ببخشد، تا از این رهگذر بتوان به نقش‌آفرینی موثر در هندسه قدرت جهانی نائل آمد.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

۳-۱. نظریه مقاومت

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر مبنای بیانات و رهنمودهایی است که مقام معظم رهبری در خصوص مقاومت اسلامی بیان داشته‌اند. ایشان در طی سال‌های اخیر بر ضرورت و استمرار حرکت محور مقاومت در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تأکیدات ویژه‌ای داشته‌اند، بر همین اساس مبنای بیانات و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، چهارچوب مفهومی پژوهش پیش‌رو را طرح‌ریزی کرده است.

مقام معظم رهبری، در خطاب به ائمت اسلامی و روشنفکران، عالمان دینی، نخبگان و ملت‌های مسلمان در اقصی نقاط جهان اسلام، بر این موضوع مهم و اساسی تأکید کرده‌اند که حرکت خودجوش و انقلابی در بین ملت‌ها، روز به روز تقویت و نهادینه شود. مقاومت اسلامی باید به فراتر از مرزهای اسلامی اشاعه داده شود تا سایر ملت‌ها از آن عبرت بگیرند و کلیه آحاد عمومی ملت‌ها را به تقویت بیداری اسلامی فراخوانده است، تا ملت‌ها، استعمارگران را بشناسند و راه نجات خود را از یوغ ستمگران پیدا کنند. در حال حاضر، زمینه این بیداری در منطقه غرب آسیا فراهم شده است و همه ملت‌ها باید به یکدیگر کمک کنند تا

از شرّ چپاول‌گران جهانی خلاص شوند و آرامش و امنیت را به منطقه بازگردانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴). در منظومه اندیشه‌ای مقام معظم رهبری، یکی از مؤلفه‌های مهم در گفتمان مقاومت، تشکیل جبهه واحد مقاومت است که این جبهه نتیجه اتحاد و انسجام جهان اسلام می‌باشد. تأکیدات بسیار ایشان در مسئله تحکیم وحدت، وفاق ملت‌های اسلامی، پرهیز از هرگونه تفرقه‌افکنی و نزاع‌های جاهلانه فرقه‌ای و نژادی را می‌توان در راستای تحقق به جبهه محور مقاومت اسلامی تعریف کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸). تغییر نظم برتر منطقه‌ای، مبارزه با استعمارگران با همراهی و همکاری مسلمانان، بازگشت به اسلام راستین، تحقق تمدن نوین اسلامی و تغییر ساختار قدرت جهانی با افول هژمونی، براساس بیانات مقام معظم رهبری از اهداف جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت اسلامی در دو دهه اخیر بوده است. بازدارندگی ناهم‌تراز غرب آسیا که در سطح راهبردی ریشه در گفتمان مقاومت دارد، به یک الگوی رفتاری به‌منظور ایستادگی یک بازیگر در برابر تحولات برهم‌زننده وضع موجود و مناسبات یک دولت اشاره دارد. در واقع سیاست مقاومت در چارچوب نظریه انتقادی معتقد به اقدام عملی در برابر هژمونی غرب و تأکید بر پایداری، تکیه بر ظرفیت‌های درون‌زا، تغییر ژئوپولیتیک منطقه به نفع محور مقاومت، تداوم مبارزه و عدم تسلیم در برابر دشمن است. افزایش عمق‌بخشی و نفوذ گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا از بازتاب‌های این تغییر می‌باشد. محدود کردن قدرت کنشگری و افزایش ژئوپولیتیک محور مقاومت در راستای محدودسازی و ایجاد یک ائتلاف سیاسی - نظامی از سوی هژمونی آمریکا به همراه متحدان خود بوده است. تثبیت و پایداری جایگاه منطقه‌ای، یکی از مهم‌ترین خط‌مشی‌های محور مقاومت بوده که تمامی اهداف هژمونی آمریکا را در منطقه غرب آسیا با چالش مواجه کرده است (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵۴۸-۵۴۳).

۴. روند پیدایش و شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولات عمیقی در سطح منطقه خاورمیانه، غرب آسیا و جهان اسلام ایجاد شد. این تحولات عمیق را در سطح کلان در چهار بخش کلی می‌توان خلاصه کرد: اول، احیای اعتبار مجدد اسلام به‌مثابه مکتبی اجتماعی و سیاسی؛ دوم، الگو شدن اسلام سیاسی و تشیع به عنوان ارائه‌دهنده نظام حکومتی و مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی؛ سوم، احیاء و ظهور مجدد نهضت‌های اسلامی و انقلابی؛ چهارم، طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام (امت‌گرایی) که نوعی بازبینی در رابطه جهان اسلام و غرب است. در صدور فرهنگی انقلاب اسلامی، الگو شدن اسلام سیاسی تشیع به عنوان ارائه‌دهنده نظام حکومتی، احیاء جنبش‌ها، نهضت‌های اسلامی و انقلابی و طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام دانست (حشمت‌زاده،

۱۳۸۴: ص ۲۲۷). انقلاب اسلامی ایران زمانی شکل گرفت که نظام جهانی بر پایه غرب محوریف نزدیک به چهار قرن به عنوان امری بدیهی و تثبیت شده توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود. هر نوع تحولی هم که در این نظام در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی و اقتصادی و گفتمان‌های جدید مطرح می‌شد، نشأت گرفته از غرب بود؛ حتی انقلاب‌های بزرگ که خارج از جهان غرب به وقوع پیوست، مانند آنچه در چین (۱۹۴۹) یا کوبا (۱۹۵۱) رخ داد، تابع نظام‌های فکری و قانونمندی‌های برخاسته از غرب بود، پیروزی انقلاب و در عین حال محدود نبودن انقلاب در چارچوب جغرافیایی خاص و تأکید بر آموزه‌های جهان‌شمولی آن در بیانات رهبران، در پذیرش مرجعیت فکری و گفتمانی هسته‌های مقاومت نقش خاصی ایفا کرده است (محمدی، ۱۳۸۴: ص ۵۷).

۵. تاثیر انقلاب اسلامی بر موازنه قدرت جهانی

۱-۵. انقلاب اسلامی و افول هژمونی غرب

در برهه بعد از انقلاب اسلامی و تقابل غرب با گفتمان انقلاب، آمریکایی‌ها و غربی‌ها درصدد بودند تا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان نیروی اخلاک‌گر و برهم زننده نظم و امنیت در خاورمیانه قلمداد کنند و ایران را کشوری می‌دانستند که ناقض حقوق بشر، حامی تروریسم در منطقه، گسترش نفوذ خود در بین شیعیان منطقه و حمایت از گروه‌های تروریستی است (Rafati, 2012: p. 50). می‌توان ادعا کرد که اولاً، آینده نظام جهانی، نظام تک‌قطبی و سلطه‌جویانه آمریکا نخواهد بود، دوم آنکه، قدرت جهان اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی، در تمامی ابعاد گسترش فزاینده‌ای خواهد داشت و روشن است که انقلاب اسلامی در شکل‌گیری نظم جهانی آینده به عنوان بازیگر مقتدر، نقش کلیدی ایفا خواهد کرد (هراتی، ۱۳۹۸: ص ۲۸۱). فرهنگ و تمدن غرب و در رأس آن آمریکا، تاکنون مسیری را دنبال کرده که در نهایت باعث سقوط آن می‌شود. آنچه مسلم است اینکه، انقلاب اسلامی ایران نقش بسیار قابل توجهی در تسریع افول آمریکا و غرب داشته و نکته حائز اهمیت دیگر این است که قطع نظر از پیروزی انقلاب اسلامی، قرن بیستم میلادی، زمان آغاز احتضار تمدن غرب است، به خصوص پس از وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم که خسارات و خرابی‌های بسیار زیادی به دنبال داشت، اضطراب بسیاری جامعه و تمدن غربی را فراگرفته بود، ضمن آنکه جریان پست‌مدرنیسم نیز به‌نوعی دیگر، غرب را به چالش کشید. در چنین شرایطی، انقلابی در ایران به ثمر نشست که انقلابی به نام خدا و در راستای احیای دین و معنویت در جهان بود و خود متفکران برجسته غربی به صراحت به این موضوع اذعان داشته‌اند، به طوری که هم به شکل مستقل و هم به عنوان کاتالیزور قوی،

توانسته شکست غرب و مبانی تمدنی آن را سرعت بخشد (ره‌دار، ۱۳۹۹).

۵-۲. انقلاب اسلامی، قوام‌بخش هویت‌ها، ارزش‌ها و اتحادهای منطقه‌ای

انقلاب اسلامی ایران با شعار نه شرقی و نه غربی، تشکیل شد و به دنبال ایجاد گفتمانی جدید در برابر گفتمان مسلط موجود در روابط بین‌الملل بود. گذر زمان و توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران (به‌عنوان رهبر محور مقاومت) در مفصل‌بندی نشانه‌های این گفتمان جدید باعث شد که عاملی موثر برای اتحاد و قوام‌بخشی کشورهای اسلامی باشد. محور مقاومت شامل یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران و سوریه) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان و حماس) است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های مستقلانه و مقاومت خود، نظام سلطه به محوریت ایالات متحده آمریکا را نقد کنند (رضاخواه، ۱۳۹۲: ص ۱). در گفتمان انقلاب اسلامی، قدرت اصولاً ارزش راهبردی ندارد و بیشتر ابزاری مهم برای تحقق اهداف راهبردی معرفی می‌شود. انقلاب اسلامی عاملی برای شکل‌گیری اتحادها و ائتلافات منطقه‌ای در غرب آسیا با بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین مکتب اسلام شد و در نهایت به عاملی برای قوام‌بخشی و ثبات بخشیدن به هویت ملت‌های مسلمان منطقه تبدیل گردید (افتخاری، ۱۳۹۴: ص ۵۰-۴۵). هویت ایدئولوژیک قوام‌یافته در سالیان پس از انقلاب، هنجارها و منافعی را ترسیم نموده است که در بنیان‌های خود، تضادهای اساسی با راهبردهای ایالات متحده دارد. نگاهی به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌سازد که مبارزه با امپریالیسم که آمریکا را می‌توان نمود نظری و عملی آن دانست، همواره نقطه‌ای کانونی و غیرقابل چشم‌پوشی از آغاز انقلاب اسلامی تا به امروز بوده است که این امر موجب شده تا بسیاری از «ملت‌ها» و نه «دولت‌ها»، دل‌بسته این حرکت گردیده و با آن همراه شوند. لذا نامحتمل به نظر می‌رسد که بتوان در کوتاه‌مدت وجه استکبارستیزی را از هویت اسلامی - انقلابی ایران زدود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۰۸/۱۱). انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دینی شکل گرفت، مدل جدیدی از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را نشان داد و توانست ملت‌های مسلمان را حول مبارزه با بیگانگان در زیر پرچم مقاومت متحد نگه دارد و هویت دینی را در منطقه غرب آسیا احیاء کند.

۶. بیداری اسلامی و تغییر ژئوپلیتیک منطقه

۶-۱. اهمیت بیداری اسلامی در کلام رهبری

بیداری اسلامی از پدیده‌های مهم و اثرگذار در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بوده که بیش از گذشته در معادلات جهانی نقش آفرینی داشته است. رهبری نخستین کسی بود که واژه بیداری اسلامی را مطرح فرمودند

و از ملت‌های آزاده، بصیر و هوشیار استدعا داشتند که با آگاهی کامل، بیداری و تحولات ناشی از آن را درک کنند. بعد از طرح «خاورمیانه جدید» توسط آمریکایی‌ها، آن هم در اثنای جنگ ۳۳ روزه لبنان، رهبری بر ضرورت بهره‌گیری از تحولات بیداری اسلامی تاکید داشتند (شکیبایی، ۱۳۸۹). از نظر رهبری، اشاعه ارزش‌ها و گسترش ایدئولوژی بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا، باعث افزایش عمق توان استراتژیک ایران در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه می‌شود. از نظر دولت‌های مخالف، محور مقاومت در مقطع کنونی باعث تقویت جایگاه شیعیان در منطقه شده است که با بهره‌گیری از قابلیت‌های هلال شیعوی بر موقعیت محور مقاومت، افزوده خواهد شد و با هماهنگی و هم‌افزایی خواهند توانست در مقابل گروه‌های افراطی و منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه غرب آسیا بایستند (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۲: ص ۲۱۹). بیداری اسلامی یکی از توجهات مسلمانان به وحدت اسلامی است، براساس اشتراکات مسلمانان می‌توانند اختلافات را کنار گذاشته و اختلافات در جهان اسلام را کاهش دهند و هویت اصیل اسلام را در جوامع خود احیاء کنند (حسینی، ۱۳۹۸: ص ۲۸). ترسیم درست جایگاه بیداری اسلامی در دنیای امروز و بررسی زوایای مختلف آن، با هدف ارائه راه‌حلی جهت شناسایی آسیب‌ها، رفع مشکلات و دردهای جدید و در عین حال پیچیده و پنهان جوامع اسلامی، مهم‌ترین مسئولیت عالمان و نخبگانی است که خواستار فرجامی نیکو و پایانی نجات‌بخش برای بیداری اسلامی هستند (موحدی‌ساوجی، ۱۳۹۸: ص ۴۸).

۶-۲. ژئوپلیتیک‌گرایی در بیداری اسلامی

ژئوپلیتیک را می‌توان قدرت جغرافیا در عرصه ملی و بین‌المللی دانست (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ص ۸۵). طیف متنوعی از جریان‌های سیاسی و یا حرکت‌های جمعی در ذیل عنوان «بیداری اسلامی» وجود دارند و از این منظر «بیداری اسلامی» وجهی فراملی و جهانی دارد که آن را پدیده‌ای فراملی و اثرگذار بر عرصه جهانی معرفی می‌نمایند (افتخاری، ۱۳۹۱: ص ۲۹). ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی، در حوزه ژئوپلیتیک انتقادی قابل بررسی است. با توجه به عجین بودن محور مقاومت اسلامی با مفهوم شیعه، ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی را می‌توان ذیل مفهوم ژئوپلیتیک شیعه مورد بررسی قرار داد. شیعیان یکی از پراکنده‌ترین مذاهب حال حاضر جهان هستند. پراکندگی شیعیان هم از نظر تاریخی و هم از نظر دلالت‌های فرهنگی و سیاسی، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (ضرغامی، شوشتری و انصاری‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۲۰۰). جنبش‌های اسلامی معترض به نظام هژمونی مانند محور مقاومت در گروه بیداری اسلامی قرار می‌گیرند، این جنبش‌های ضدنظام جهانگستر که با نموده‌های مختلف شکل گرفته‌اند، در پی گسترش نفوذ خود در غرب

آسیا بودند. بدون شک هژمونی آمریکا بعد از حوادث سال ۲۰۱۱ م. با چالشی اساس مواجه گردید که باعث شکل‌گیری ژئوپلیتیک نو در غرب آسیا شده است (Wallerstein, 1974: p.70).

۶-۳. انقلاب اسلامی، پیشران در تنویر افکار عمومی ملت‌های منطقه

با توجه به اینکه کانون الهام‌بخش فرهنگ مقاومت اسلامی در خاورمیانه، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ منبعث از آموزه‌های مبارزاتی شیعه است؛ از این‌رو، تقویت گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه، تقویت نظام جمهوری اسلامی و مرزهای تاثیرگذار فرهنگی انقلاب اسلامی است، بی‌تردید خیزشی که جهان عرب را دربرگرفته است، با تحولی بنیادین در منطقه خاورمیانه پایان خواهد یافت، تحولی که اسلام حرف آخر را در آن خواهد زد، در این روند بی‌گمان بازگشت کشورهای مسلمان به خویشتن خویش یا همان اسلام ناب محمدی(ص) می‌تواند مهم‌ترین دستاورد خیزش اسلامی در جهان تلقی شود (ناظمی‌اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ص ۶۲). برد جهانی پیام انقلاب اسلامی در مرحله اول نشأت گرفته از ساحت مفهومی انقلاب بوده و بیداری همه انسان‌ها نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران بوده است. انقلاب اسلامی بار دیگر دنیای غرب، به‌ویژه آمریکا را متوجه قدرت نرم جهان اسلام کرد و آن‌ها را از احتمال وقوع انقلاب اسلامی در کشورهای عربی نگران ساخته است. با اینکه دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، با بهره‌گیری از قدرت نرم خود که عبارت از عنصر رسانه، فناوری ارتباطات و عملیات روانی است، اعتقادات مسلمانان، وحدت جهان اسلام و بیداری اسلامی را نشانه گرفته‌اند (هاشمیان و نامخواه، ۱۳۹۳: ص ۷۸-۷۹). انقلاب اسلامی ایران تاثیر گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و با توجه به پیروان و هواخواهانی که پیدا کرد و به عنوان یک نیروی قابل محاسبه توسط دولت‌های خارجی و همچنین دولت‌های منطقه عنوان شده است؛ بدان خاطر که انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای تاثیرگذار در جهان اسلام است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ص ۲۴۴). انقلاب اسلامی الگوی جدیدی از آگاهی سیاسی، مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و در معرض نمایش قرار داد و نوعی از جریان احیاء‌گری، بیداری فکری و ایدئولوژیکی را در جریان محور مقامات اسلامی در منطقه غرب آسیا ساماندهی نموده است.

۶-۴. وحدت دینی، قومی و مذهبی

یکی از حیاتی‌ترین مسائل، گرایش ملت‌های مسلمان به سوی وحدت دینی و جهانی اسلام در جریان بیداری اسلامی است. نکته‌ای که تمامی قدرت‌های استکباری درصدد جلوگیری و ایجاد مانع بر سر راه آن

هستند. مهم‌ترین استراتژی غرب برای مدیریت فرهنگی و سیاسی جهان اسلام، جنگ و فتنه‌ای طائفه‌ای و مذهبی است (هینه‌بوش، ۱۳۹۷: ص ۱۹۷). یکی از توجهات مسلمانان در بیداری اسلامی، توجه به وحدت اسلامی است و براساس اشتراکات، مسلمانان می‌توانند اختلافات را کنار گذاشته و باید برای خود یک هویت جمعی به نام مسلمان قائل باشند (حسینی، ۱۳۹۸: ص ۲۸). هدف نظریه بیداری اسلامی، به‌کارگیری سیاست‌های تدافعی و بازدارنده در مقابل انگیزه‌های استعماری کشورهای غربی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا می‌باشد که ملت‌های منطقه با آگاهی از اسلام و شکل‌گیری اتحادهای منطقه‌ای توانستند در مقابل نیروهای اشغال‌گر قدس ایستادگی کنند و طرح تفرقه و جدایی بین ملت‌های منطقه از سوی آمریکا را با چالش مواجه کنند (Heywood, 2018: p.421). بیداری اسلامی، زمینه و بستر اصلی بیشتر انقلاب‌های منطقه‌ای را در کشورهای عربی فراهم کرده است که به اذعان تحلیل‌گران منطقه‌ای، خیزش و خروش ملت‌ها در مقابل سیاست‌های استکباری و سلطه‌گرانه امپریالیسم غرب ناشی از موج بیداری اسلامی بود که همگی در بستر و از رهگذر آموزه‌های اسلام، به جهانیان عرضه خواهد شد تا وحدت و همدلی رمز گذار از سیاست‌های غربی در غرب آسیا باشد (Haynes, 2018: p.67). جنبش بیداری اسلامی در جهان عرب، وحدت، همدلی و یک‌صدایی را براساس اصول و مبانی اسلامی بوجود آورد و بحران هویتی که با حضور استعمارگران از بین رفته بود، به آغوش ملت‌های منطقه برگشت (Brown, 2018: p.67).

۷. محور مقاومت و ساختار قدرت جهانی

شالوده‌شکنی محور مقاومت اسلامی با بهره‌گیری از منابع دینی و هویتی انقلاب اسلامی، ساختار قدرت در عرصه بین‌الملل را با چالش مواجه ساخت که مواردی همچون طرد هژمونی برتر، ثبات‌بخشی، آرامش و صلح جهانی و تمدن نوین اسلامی از جمله دستاوردهای ساختار شکن قدرت بین‌الملل توسط محور مقاومت می‌باشد.

۷-۱. طرد هژمونی برتر

هژمون برای اینکه بتواند قدرت خود را تداوم بخشد، باید بتواند ایدئولوژی خود را فراگیر کند و از رشد ایدئولوژی‌هایی که ثبات هژمون را تهدید می‌کنند، جلوگیری به عمل می‌آورد. ایدئولوژی اسلامی با هدف طرد هژمونی غربی و نظام سلطه درصدد تایید گفتمان مقاومت در سراسر سرزمین‌های اسلامی است، در واقع ایدئولوژی اسلام، ارزش‌های الهی بشریت را برای جهانیان به ارمغان آورده است که در آن حکومت‌های الهی جایگزین حکومت‌های تجاوزگر در جوامع اسلامی خواهد شد (محمودی رجا، ۱۳۹۳: ص ۹۰). بی‌تردید

نام محور مقاومت با نفی سلطه و مقابله با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل درهم آمیخته است. نفی نظام سلطه منعکس کننده ارزش‌ها و مبانی سیاسی مقاومت اسلامی است و استمرار استکبارستیزی را در جوهره مقاومت و اهداف آن نشان می‌دهد. محور مقاومت معتقد است که در اسلام سلطه‌گری همچون سلطه‌پذیری، مذموم و ممنوع است، ظلم حتی نسبت به کافر نیز حرام است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۸). مبارزه با نظام سلطه به ویژه مخالفت با سیاست‌های آمریکا، بخش قابل توجهی از سیاست‌های محور مقاومت را تشکیل می‌دهد. گروه‌های عضو جبهه مقاومت ضمن رد نظام سلطه غربی و مقاومت در برابر اهداف زیاده‌خواهانه آن، از هیچ تلاشی برای براندازی این نظام دریغ نوزیدند (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۸: ص ۳۳). الگوی سیاست خارجی مقاومت در برابر نظام سلطه براساس جهت‌گیری تقابلی است؛ کشورهای غربی به عنوان نماد مقابله با هویت و اهداف راهبردی کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند؛ بنابراین طبیعی است که مقاومت‌گرایی، قدرت و هویت کشورهای اسلامی در برابر جهان غرب سازماندهی شود (Tayllor, 1991: p. 35). مقاومت اسلامی با الهام‌بخشی به روند بیداری اسلامی در منطقه، وضعیت نظام بین‌الملل را دگرگون ساخته است. جهان امروز شاهد تغییرات ساختاری، سیستمی و ژئوپلیتیک گسترده‌ای است که نظم سابق مبتنی بر منافع نظام سلطه به چالش کشیده شده است. تلاش نظام سلطه برای منزوی کردن اعضای محور مقاومت به وسیله تحریم‌های مختلف، همگی ناشی از ظهور هویت و ایدئولوژی جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل است که مهم‌ترین خطر برای نظام سلطه است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۲: ص ۱۶). طرد هژمونی جهانی و به تبع آن افول هژمونی در حوزه‌های (دموکراسی، حقوق بشر، سیاست خارجی و قدرت نرم) باعث شد تا ساختار قدرت جهانی از سوی قدرت محور مقاومت اسلامی با تهدیدات بنیادین مواجه شود.

۷-۲. عامل ثبات، آرامش و صلح جهانی

محور مقاومت اسلامی به عنوان یک گفتمان فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، نظامی با یک‌سری عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش و یک‌سری عوامل واگرا و تفرقه‌آفرین مواجه است. عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش، عمدتاً تحت تاثیر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و عوامل واگرا ریشه در هویت‌های قومی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی منطقه دارند. از آنجایی که بسیاری از شاخص‌های فرهنگ سیاسی حاکم بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ماهیت هویت‌گرا، عدالت‌جویانه و شالوده‌شکن دارند، توانسته‌اند جنبش‌های اسلامی را در سطح منطقه و جهان تحت تاثیر قرار دهند (کریمی، ۱۳۹۳: ص ۷). در فرآیند انقلاب اسلامی و اشاعه دادن ارزش‌های انقلاب به محور مقاومت، در واقع گفتمان اسلام در سراسر منطقه ترویج داده خواهد شد و جنبش‌های رهایی‌بخش در جهت تأمین صلح و ایجاد آرامش و امنیت تشکیل

می‌شوند تا هویت از دست رفته اسلامی در منطقه را احیاء کنند. در واقع با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و هراس از نفوذ و حضور ایران در منطقه، با تأسی از ارزش‌های انقلاب و عوامل هویت‌بخش آن، که مقوم صلح و آرامش در جهان است، مخالفت می‌کنند (Akhavi, 1987: p.132). جبهه مقاومت به عامل کلیدی جهت اتحاد، ثبات و صلح منطقه‌ای تبدیل شده است که از رهگذر آن موازنه‌سازی قدرت در سطح جهانی شکل گرفته است و هژمون برتر (آمریکا) را در عرصه بین‌الملل با چالش مواجه خواهد ساخت و الگویی برای عرصه بین‌الملل در زمینه صلح جهانی تنویر کرده که باعث افزایش قدرت محور مقاومت در عرصه بین‌الملل شده است (International Institute for Strategic Studies, 2019). محور مقاومت با ایجاد موازنه قدرت در عرصه بین‌الملل و ثبات بخشی به مرزهای سرزمین‌های اسلامی و دور کردن بیگانگان و استعمارگران از غرب آسیا، به دنبال نائل آمدن به صلح و ثبات و امنیت‌سازی در غرب آسیا و به تبع آن در عرصه روابط بین‌الملل است.

۷-۳. تمدن نوین اسلامی

گفتمان اسلامی یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی در عرصه بین‌الملل است که محور مقاومت می‌تواند از طریق تمدن اسلامی به تمدن‌سازی دست بزند. از نظر رهبری، تمدن اسلامی به معنای قلمروگشایی نیست، بلکه ملت‌ها از لحاظ فکری و گفتمانی بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. تحقق تمدن نوین اسلامی از اهداف پنج‌گانه انقلاب اسلامی می‌باشد که نیاز است مراحل چهارگانه قبل از آن با اهتمام عمومی ملت‌ها پیگیری شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶). حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، کتائب حزب‌الله عراق، انصارالله یمن، گروه‌های مبارز شیعی مثل فاطمیون در سوریه و... از اعضا و شاخه‌های اصلی محور مقاومت در جنوب غرب آسیا می‌باشند که با اعتقاد به اصل ولایت فقیه و با همراهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابل سیاست‌های استکباری و حمایت از ملت‌های منطقه در راستای تحقق اهداف تمدن اسلامی گام برمی‌دارند. تمدنی که با استفاده از اعتقادات دینی در جان و قلب ملت‌های منطقه کم‌کم رسوخ و نفوذ کرده و راه خود را جهت تمدن‌سازی اسلام، براساس اندیشه‌های انقلاب اسلامی باز کرده است. ملت‌های منطقه با مشاهده آثار و برکات اسلام، بیش از گذشته اسلام و تمدن نوین را پذیرا هستند. حقوق، اخلاق و فرهنگ سایر ملت‌ها در تمدن‌سازی اسلام تسخیر نخواهد شد و مسیر انتخاب اهداف برتر تمدنی برای ملت‌های دیگر باز خواهد بود. در واقع، سایر ملت‌ها با تشخیص و علاقه خود، هدیه الهی را از تمدن اسلامی دریافت خواهند کرد. وظیفه ملت‌های مسلمان این است که مسیر درست و تمدن‌ساز اسلامی را به سایر ملت‌های جهان انتقال دهند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۸/۱۰). تمدن‌سازی اسلام در حوزه‌های

متعدد، یکی از اهداف پنج‌گانه انقلاب اسلامی بود که با بهره‌گیری از تجارب گذشته می‌تواند به ایجاد الگوی جهانی نزدیک شود. محور مقاومت با عضوگیری و شبکه‌سازی گسترده در بین کشورهای مسلمان، درصدد دستیابی به تمدن‌سازی اسلام و احیاء و گسترش ارزش‌های فراموش شده اسلامی در سطح منطقه غرب آسیا و سرزمین‌های مسلمان است تا از رهگذر آن قادر به نقش‌آفرینی موثر و کارآمد در عرصه روابط بین‌الملل شده باشد.

۸. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد برآمد تا آینده جایگاه محور مقاومت در هندسه قدرت جهانی را مورد بررسی قرار داده و شکاف تحقیقاتی صورت گرفته در این زمینه را تا حدودی مورد واکاوی و تبیین قرار دهد. انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم، متفاوت‌ترین و بی‌نظیرترین آرمان‌ها را برای ملت ایران، ملت‌های منطقه و سایر آزادی‌خواهان جهان به ارمغان آورد تا از این طریق مبدأ تمامی تحولات دنیای اسلام و سرمشقی برای سایر جنبش‌های اسلامی شود، تا سایر ملت‌ها از طریق فراگیری آموزه‌های انقلاب بتوانند از زیر یوغ استعمارگران و متجاوزین رهایی یابند. با حضور نیروهای فرمانطقه‌ای (همچون آمریکا و حامیان غربی) بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در خاورمیانه و جنوب غرب آسیا، زمینه برای شکل‌گیری اتحادها و ائتلافات حول محور مقاومت با تاسی از آرمان‌های انقلاب اسلامی بوجود آمد و محور مقاومت کانون مبارزه با قدرت‌های برتر صحنه جهانی شد و در طی سالیان گذشته، در عرصه‌های متعدد مالی، اقتصادی، معنوی و مذهبی دستاوردها و افتخارات بزرگی برای جهان اسلام به‌دست آورد، از جمله نتایج مورد اطمینان در برهه کنونی می‌توان به شکل‌گیری نوع جدیدی از قدرت در عرصه روابط بین‌الملل، احیاء قدرت اسلام و عظمت تشیع در سطح جهان، انقلاب اسلامی عامل تشکیل و استمرار سایر نهضت‌های اسلامی، شکل‌گیری موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا و جهان اشاره کرد. از رهگذر نتایج موجود می‌توان، ایجاد موازنه قدرت در هندسه قدرت جهانی و عقب‌نشینی استعمارگران جهانی از سیاست‌های چپاول‌گرایانه را متصور شد.

منابع

- آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴). جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۴: ص ۱-۲۰.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و راهبرد شکل‌گیری امت اسلامی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۰(۳۳): ص ۲۷-۴۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۴). الزامات راهبردی انقلاب اسلامی برای علم سیاست. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۴(۱۷): ص ۳۹-۵۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). *بیداری اسلامی در نظر و عمل*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر؛ حکیمی، محمد (۱۳۹۹). مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری. *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۸(۱۸): ص ۲۰۱-۲۳۴.
- توتی، حسینعلی؛ دوست‌محمدی، احمد (۱۳۹۲). تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در مقابل آن. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۰(۳۳).
- جان‌ال، اسپوزیتو (۱۳۸۲). *انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن*. ترجمه حسن مدیرشانه‌چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). اصول حاکم بر روابط بین‌الملل نظام اسلامی. *حکومت اسلامی*، شماره ۴۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). تعریفی نو از ژئوپلیتیک. *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۵۸-۵۹: ص ۷۱-۸۸.
- حسینی، محمدتقی (۱۳۹۸). بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه. *جستارهای سیاسی معاصر*، شماره ۴: ص ۱۹-۳۸.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۴). مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی. *نامه پژوهش*، شماره ۱۲: ص ۲۳۴-۲۱۱.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۹/۰۴). *بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2670>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۸/۱۰). *بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=1&year=1394>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). *بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=1&year=1395>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۰۹/۱۸). *بیانات در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2863>
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۲/۰۸/۱۱). *بنیان‌های هویت برآمده از انقلاب اسلامی با هویت آمریکایی در تضاد است*. قابل دسترس در: <https://www.farsnews.ir/news/13920811000324>

رضاخواجه، علیرضا (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت. *زمان*، شماره ۳۲: ص ۳۲-۳۳.
 رهدار، احمد (۱۳۹۹/۰۸/۰۸). انقلاب اسلامی ایران، افول آمریکا و تمدن غرب را شدت بخشیده است. *خبرگزاری رسمی حوزه*.
 قابل دسترس در:

<https://www.hawzahnews.com/news/925379>

شفیعی، نوذر؛ مرادی، احمد (۱۳۸۸). تاثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران. *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۱۱(۱):
 ص ۴۱-۶۴.

شکیبایی، مهدی (۱۳۸۹). ظهور قدرت جدید حول محور مقاومت. *خبرگزاری مهر*. قابل دسترس در:

<https://www.mehrnnews.com/news/5913154>

ضرغامی، برزین؛ شوشتری، سید محمدجواد؛ انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳). ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و
 رویکردها). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۱: ص ۱۹۷-۲۱۴.

غریبان، مرتضی؛ صفریان، غلامرضا (۱۴۰۰). چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه داخلی و راه‌حل‌های قرآنی مقابله
 با آن. *مطالعات علوم قرآنی*، ۳(۱۴).

کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۳). نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی. *پژوهش
 ملل*، شماره ۲: ص ۱-۱۴.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه (پارادایم جدید در روابط بین‌الملل). *مطالعات انقلاب
 اسلامی*، ۵(۱۶): ص ۱۱-۴۲.

محمودی‌رجا، زکریا؛ باقری دولت‌آبادی، علی؛ راوش، بهنام (۱۳۹۷). بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از
 نظریه نظام جهانی. *بیداری اسلامی*، ۷(۱۴).

محمودی‌رجا، سید زکریا (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل رویکرد دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد در قبال جهانی شدن*. پایان‌نامه
 کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی. دانشگاه اصفهان.

موحدی ساوجی، محمدحسین (۱۳۹۸). *اخوان المسلمین: سیاست، جهان‌بینی، اهداف و اصول*. *مطالعات آفریقا*، شماره ۱۲:
 ص ۳۴-۶۸.

مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. *دانش سیاسی*، ۱۵(۳۰).
 ناظمی اردکانی، مهدی؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام. *مطالعات
 جهان اسلام*، شماره ۲۶: ص ۵۹-۸۶.

هاشمیان، سید محمدحسین؛ نامخواه، مجتبی (۱۳۹۳). تحلیل امام خمینی از چپستی انقلاب اسلامی و دلالت‌های آن در
 سیاست‌گذاری عمومی. *سیاست متعالیه*، ۲(۷).

هراتی، محمدجواد (۱۳۹۸). سناریوهای آینده تعامل دوسویه «بیداری اسلامی» و «گفتمان انقلاب اسلامی ایران». *مطالعات
 انقلاب اسلامی ایران*، ۱۰(۳۳): ص ۲۸۵-۳۰۲.

هینه‌بوش، ریموند (۱۳۹۷). *سیاست‌های هویت در خاورمیانه*. در: لوئیس فاست، روابط بین‌الملل خاورمیانه. ترجمه احمد
 سلطانی‌نژاد. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- Akhavi, Sh. (1987). *Iran: Implementation of an Islamic State*. In: Islam in Asia: Religion, Politics and Society. John Esposito (ed.). New York: Oxford University Press.
- Brown, S. (2018). Resident boy Adeel, plays in front of the compound where US Navy SEAL commandos reportedly killed al Qaeda leader Osama bin Laden in Abbottabad. *World Policy Journal*, 21(3).
- Haynes, J. (2018). *Introduction to international relations and religion*. Pearson Education. Heywood, A. (2018). *Political Ideologies: An Introduction*. Hampshire & London: Palgrave Macmillan Press
- International Institute for Strategic Studies (2019). *Iran's Networks of Influence in the Middle East*. Available at: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-03-ch-téhérans-strategic-intent>
- Rafati, N. (2012). *After the Arab Spring: power shift in the Middle East?: Iran and the Arab Spring*. Available at: <http://eprints.Ise.ac.uk/43466>
- Taylor, Ch. (1991). *Multiculturalist and Politics of Recognition*. Princeton. Princeton University Press.
- Wallerstein, I. (1974). The Rise and Future Demise of the World Capitalist System: Concepts for Comparative Analysis. *Comparative Studies in Society and History*, 16(4): p. 387-415.